

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
 Tel: 0049 1633458007
 E-mail: asangaran@aol.com
 مسؤل ارتباطات شهرهای کردستان عبدل گلپریان
 Tel: 00358 405758250
 E-mail: abdulgolparian@yahoo.com
 همکار سر دبیر: بهمن خانی
 E-mail: khani@live.nl



اساس سوسیالیسم
 انسان است.
 سوسیالیسم
 جنبش بازگرداندن
 اختیار به انسان است.

ایسکرا

۳۸۷

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

www.iskraa.org

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۶ آبان ۱۳۸۶، ۷ نوامبر ۲۰۰۷

سر دبیر: عبدل گلپریان
 abdulgolparian@yahoo.com

جبهه سوم در قرن ۲۱ پشمیان فلسفی آزادی و شرافت انسان است



محمدامین کمانگر

را به نابودی کشانده اند هم اکنون این دوجبه فضای جهان را ملیتاریزه کرده اند و دنیا را در وحشت و نگرانی و اضطراب برده اند و جهان شاهد به صلیب کشیدن انسانیت توسط این دوجبه

صفحه ۲

"جبهه سوم نه به اسلام سیاسی ونه به میلیتاریسم آمریکا و متحدینش: جبهه سوم جبهه بشریت متمدن در برابر جنگ و توحش است. جبهه سوم جبهه همه انسانهای آزاده ای است که از میلیتاریسم و قلدرمنشی نظامی و سیاسی دولت آمریکا و متحدینش، و از تروریسم اسلامی به تنگ آمده اند و میخواهند در برابر این دو قطب تروریستی، که هر یک جنایات خود علیه بشریت را با جنایات طرف مقابل توجیه میکنند، پرچم تمدن و انسانیت و آزادیخواهی را برافرازند. جبهه سوم جبهه نه به میلیتاریسم و نه به

مواضع و صفتبندیهای اپوزیسیون در مقابل خطر جنگ است. اتخاذ هر موضع گیری از جانب اپوزیسیون رژیم اسلامی، از زاویه اهداف و استراتژی ای است که دنبال می کنند و بر این اساس در صورت وقوع جنگ، مکان و سنگرهای خود را مشخص می سازند.

تا هم اکنون این مواضع و این سنگرها روشن و مشخص شده است. گروهها و احزاب قومپرست که تا حدودی در کردستان و با اتکا به کمک آمریکا و حکومت دست ساز آن در عراق توانسته اند سرپا بمانند، از طرفداران پروپا قرص جنگ و حمله آمریکا به ایران هستند. برای این گروههای قومی و ناسیونالیست، سهم شدن در قدرت و با اشغال

صفحه ۲



عبدل گلپریان

در دوسال اخیر جنر و مد تقابل دو قطب تروریستی و بر بستر اتیکت بحران هسته ای، امپر خطر جنگ را افزایش داده است.

پیرامون اصل صورت مسئله این تقابل و این بحران به اندازه کافی گفته و نوشته ایم و قطعاً باید باز هم در مورد آن گفت و نوشت اما هدف این نوشته در واقع پرداختن به

کودکان سالم چگونه معلول ذهنی و دیوانه میشوند؟! ناصر احمدی

ناصر احمدی

مشخصی این اقدام را شدیداً محکوم نمود. صدا و سیمای آمریکا ضمن اعلام این خبرها تصاویر مربوط به دستگیری همه مسئولین سازمان خیریه فرانسوی، سخنان دو رئیس جمهور، و چهره های کودکان ۳ الی ۱۳ ساله ای را که تقریباً همه شان با حال و روحی هراسان میگریستند نشان میداد. این خبر در سه روز پیاپی هفته گذشته، از وقایع مهم روز بوده و بلاخره بعد از

خبر این بود که یک اکیپ ۱۵ نفری از یک سازمان خیریه فرانسه که ۷ نفرشان از اتحادیه اروپا بوده اند قصد داشته اند که تعداد ۱۰۳ کودک بی پناه را از کشور سودان به فرانسه انتقال داده و به سرپرستی خانواده های فرانسوی بسپارند و رئیس جمهور چاد هم با محکوم کردن آن بعنوان یک کودک دزدی آشکار، نبی از این کودکان را متعلق به کشور چاد اعلام کرد و رئیس جمهور فرانسه نیز در پیام هراسان و

صفحه ۵



ایسکرا برنامه ای از یدی محمودی

صفحه ۳

اخباری از کردستان کشتار کاروانچی ها همچنان ادامه دارد

صفحه ۴

سینا پایمرد آزاد شد!

صفحه ۴

فراموش شده ها

سارا

صفحه ۵

اعتصاب مجدد کارگران نیشکر هفت تپه برای آزادی همکاران خود شروع شد

صفحه ۵

نامه مجید حمیدی به: کارگران، مردم آگاه و زحمتکش

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

خطر جنگ و اپوزیسیون

ازصفحه ۱

نظامی آمریکا در منطقه، آن آرزویی است که مدام خواب آنرا می بینند و بر این اساس از حمله نظامی آمریکا به ایران دفاع می کنند و خود را در کنار سیاستهای آمریکا می بینند. قدرت رسیدن احزاب و جریانات قومپرست و ارتجاعی در کردستان عراق نظیر بارزانی و طالبانی و دیگر باندهای کانگستر و آدم کش، به الگویی برای گروههای قومی و دیگر باندهای مرتجع در کردستان ایران تبدیل شده است و همگی آنها در هر دو سوی مرز از یک آبشخور تغذیه می کنند. تمام تلاش این دارودسته ها و بعد از حمله و اشغال نظامی عراق توسط آمریکا این بوده و هست که به قیمت خانه خرابی و ایجاد يك فاجعه انسانی، هر يك به حاکمی خود گمارده با کمک مالی و نظامی آمریکا در منطقه تبدیل شوند.

از طرف دیگر احزاب، گروهها و شخصیت‌های از ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی در خارج کشور، حزب مشروطه داریوش همایون، جمهوری خواهان ملی، بخشهایی از سلطنت طلبان و خیل سازمانهای پرورژیم همچون فدائیان اکثریت، حزب توده و بخشهایی از خانواده این طیف، اعلام کرده اند که در صورت وقوع جنگ و حمله نظامی آمریکا به ایران، مستقیم و غیر مستقیم در کنار جمهوری اسلامی قرار خواهند گرفت و در مقابل امپریالیسم و شیطان بزرگ از تمامیت ارضی خاک کشور و میهن دفاع خواهند کرد.

تمامی مواضع این جریانات در صورت بوقوع پیوستن جنگ و حمله نظامی آمریکا به ایران به همه چیز توجه دارد بجز منافع مردمی که در اثر وقوع چنین سناریو سیاهی زندگی و لانه و کاشانه شان به تلی از خاکستر تبدیل خواهد شد.

در این میان مواضع بخشهایی از پس مانده های دوم خردادی نیز جای تامل است. اینها در مخالفت با جنگ و اینکه نه در کنار جمهوری اسلامی قرار می گیرند و نه در کنار آمریکا، از صلح و دمکراسی داد سخن سر می دهند. صلح خواهی دوم خردادی ها فقط در مخالفت با وقوع جنگ است و شرایط و موقعیت فعلی را که هنوز جنگی آغاز نشده است برای اینها یعنی "صلح" و این نهایت مطلوبیت را دارد یعنی مدافع وضع موجود یعنی دفاع از جنگی که رژیم اسلامی علیه مردمی که کمربند نابودی آنرا بسته اند و هر روزه دارد جنایت می آفریند می باشد. ماهیت این نیروها در چنین شرایط و مواضع خطیری باید بیش از پیش افشا و ترد شود و جامعه تشنه تغییر، کارگران، زنان، دانشجویان و نسل جوانی که سالهاست می کوشند که از این فرهنگ ارتجاعی خلاصی یابند، باید با دید بازتری این احزاب و گرایشات را بشناسند و در مقابل آنها بایستند.

وقوع جنگ يك فاجعه انسانی برای جامعه خواهد بود که در اثر آن هستی و زندگی میلیونها انسان در ایران را به قهقرا خواهد کشاند. وقوع جنگ برای رژیم جمهوری اسلامی از نعمات و برکات الهی خواهد بود

که در اثر آن نه تنها به تداوم عمر نکبت بار خود بیفزاید و مردم را به بهانه جنگ همچون نعمات جنگ ۸ ساله ایران و عراق خفه کند بلکه مقبولیت و حقانیتی را در میان کشورهای منطقه و مدافع خویش دست و پا کند. مواضع برشمرده اپوزیسیون در بالا کاملاً به این امر خدمت می کند و نقش لنگرگاه رژیم اسلامی را ایفا می کنند.

اما علاوه بر تصویر احتمالی بالا، شرایط و اوضاع سیاسی و اجتماعی در ایران جبهه قوی و محکمی را در تقابل با بروز این سیاه روزی می تواند از خود بنمایش بگذارد. شرایط و مواضع سیاسی ایران، وجود جنبشهای اعتراضی و مبارزاتی، رشد و تقویت رادیکالیسم، جذابیت و گیرایی خواست و آرزوهای انسانی و سوسیالیستی، سیمای دفاع از حقوق زنان، ارج نهادن در دفاع از حقوق کودک، مبارزات و اعتراضات کارگری و تلاش طبقه کارگر برای متحد و متشکل شدن، اعتراض و مبارزات چپ و سوسیالیستی دانشجویان در بیرون انداختن رئیس تیر خلاص زن رژیم از دانشگاهها، مبارزه زندانیان سیاسی در درون زندانهای قرون وسطایی حکومت و..... آن حلقه و نقطه امید قوی و روشنی است که می تواند قبل از وقوع هرگونه جنگی جنگ افروزان را در رسیدن به اهدافشان را نا امید کند.

جنبشهای اعتراضی فوق در جامعه می تواند با شدت بخشیدن به اعتراض و مبارزه هر روزه خویش علیه این لکه سرطانی، علیه رژیم که بانی و عامل تمامی جنایات و فلاکت موجود است، این ورق را برگرداند و جامعه را از این تاریکی برهاند. حزب کمونیست کارگری برای برون رفت از این خطر عظیمی که مردم ایران را تهدید می کند، به این صف تعلق دارد و در شکل دادن به این جبهه انسانی و سوسیالیستی تلاش کرده است. ما و مردم می توانیم و باید با سرنگون کردن این رژیم با انقلاب میلیونها انسان تشنه آزادی و سوسیالیسم، پرچم دفاع از انسانیت را در مقابل تمامی راهها و آلترناتیوهای ضد بشری محکم بر زمین بکوییم.

شرایط و مواضع سیاسی اجتماعی و مبارزاتی امروز در ایران آن شرایطی نیست که در عراق و یا افغانستان زمینه را برای قدر قدرتی نظم نوین جهانی آمریکا و باندهای کانگستر و تروریست اسلامی فراهم میگیرد. اوضاع سیاسی و موقعیت اعتراضی جنبشهای اجتماعی مردم در ایران می تواند با شدت بخشیدن به روند رو به رشد این مبارزه و برای برانداختن این بختک اسلامی نه تنها پتانسیل این را دارد که جامعه را از این جهنم برهاند، بلکه فضای امن تری را برای مردم منطقه که در اثر قلدری این دو قطب هار و وحشی به خاک سیاه نشانده شده اند را فراهم کند.

ما حزب کمونیست کارگری به همراه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه و برابری طلب، نخواهیم گذاشت جامعه و زندگی مردم پیش از این به تباهی کشیده شود. جلوگیری از این فاجعه انسانی تنها در گرو گسترش اعتراضات و مبارزات چپ، رادیکال و انسانی و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است.

جبهه سوم در قرن ۲۱...

ازصفحه ۱

است. این وضعیت هیولایی شده که برای بلعیده بشریت دهن باز کرده است و از لحاظ عرف و شئون انسانی عقب گرد وسیعی را به جهانیان تحمیل کرده است.

در این اوضاع سیاه، در این جنگ و خون و کشتار دسته جمعی، فقط آواره گی فروع و خشونت وسیه روزی است که روزگار بشریت را رقم می زند. این دو جبهه هر کدام برای بقا، نا مشروعشان گورستانهای بی مرزی را دارند شیار می کنند. وبه افکار و احساس و روح و روان انسانها تجاوز کرده اند... و رمز پیروزی آنها در بی تفاوتی جبهه سوم "جبهه نسانهای سکولار، شرافتمند و آزادیخواه و صلح طلب جهان است". این است که در هر لحظه از سکوت ما (جبهه سوم) جنایتی هولناکتر، قتل عامهای بی رحمانه تر و خون ریزیهای علنی تری در جلو چشمان بهت زده دنیا اتفاق می افتد و تعداد وسیع تری از انسانها را به فجیع ترین شیوه تکه و پاره میکنند و به معرض نمایش جهانیان قرار می دهند. آیا این جنگ جهانی سوم است که شروع شده که نمودهایش را هر روزه و هر ساعته توسط گزارش گران مدیای جهان آنرا می بینیم؟ این جنگ، جنگ جهانی اعلام نشده تروریستها است که به گستردگی جهان ادامه دارد و هر روزه جان صدها انسان بیگناه را می گیرد؟ آیا این لشکر کشیها نشان از آن ندارد؟ ناوگانها آماده اند، بمب افکنها آماده اند، زیردریایها آماده اند، وارتشها انگشت بر ماشه آماده اند تا فرمان حمله را دریافت کنند. اوضاع دهشتناک جهان با شتاب هشدار دهنده ای دارد به پیش می تازد و جهان خسته و فرسوده از این دشواریهاست.

اگر جبهه سوم نجنبند، اگر جبهه سوم با قدرت به میدان نیاید و در مقابل این اوضاع اسفبار نایستند طوفانهای پی در پی با خشم و قهر بی رحمانه ای در راه است تا بیشتر به روی بشریت خون بپاشد. تا بیشتر جنایت کند و هوای این اوضاع درد ناک و این آتش و خون برای بشریت متمم قابل تنفس نیست. دره های هولناک و گردابهای امان گیر به روی بشریت دهن باز کرده است.

این جنایاتی که در جهان شب و روز بدون وقفه در حال جریان است روح را به دهشت می اندازد، دیکتاتوری این دو جبهه جرئت کرده است که در جلو چشم جهانیان به نفع این آتش و خون بنفع این کشتار تکان دهنده قانون وضع کنند و قانون تغییر دهند. اینها مبتکر بی شأن و بی حرمتی انسانهای کره زمین هستند. و هر روزه دارند اوضاع جهان را پیچیده و غم انگیز تر می کنند و وقایع نا منتظره ای جلویای بشریت گذاشته اند. نا بغه ها و رهبران این دو جبهه در همان حال که از شدت بی رحمی و بی انصافی دارند خون استغراق می کنند و عشق و عواطف و زیباییها را به نا بودی می کشاند و قالب دیگری در آن جایگزین می نمایند در عین حال حرکتهای ضد انسانی خود را می خواهند بسیار طبیعی جلوه دهند. و در بازیهای زبانی جورج بوش بنام دفاع از دمکراسی خود را نشان می دهد که چگونه دارند قلب حقیقت را منفجر می کنند.

اینها برای در هم کوبیدن رحم و مروت انسانی و نا بودی اجتماع بشری گوی سبقت را از همدیگر می ربایند و این مسابقه کشتار و ویرانی و بی خان مانی را هر يك در رسانه های وابسته بخود در بین جهانیان تبلیغ و منعکس می کنند. شرم است برای بشریت؟

جبهه سوم در قرن ۲۱...۰۰

ازصفحه ۲

یوگوسلاوی ریشه های زخم عمیقی هستند که بشریت هنوز براندامش حمل میکند و هنوز از آن چرک و خون می چکد. کشتارو به خون کشیدن زن و بچه و پیر جوان فلسطینی تخریب کردن خانه و کاشانه مدرسه و بیمارستان بر سرشان و نسل کشی از آنها توسط ارتش ظالم اسرائیل، کشتار بی مرز و درهم کوبیدن اعتراضات برحق مردم ایران توسط رژیم فاشیستی اسلامی ایران، اوضاع دهشتناک عراق و افغانستان، عرق شرم است بر پیکر انسانیت. آیا انسان بدنی آمده برای کشیدن درد و رنج و عذاب؟ بدنی آمده برای کشتن و کشته شدن و سربریدن وزندان کشیدن و شکنجه شدن و اعدام؟ بدنی آمده برای گرسنگی و آوارگی، استرس و سوختن و تکه و پاره شدن خود و خانواده و همسایه و هم نوعانش در چهار گوشه این کره ارض؟ بدنی آمده که عده ای بیابیند زبانش را ببرند و گردنش را بزنند و خانه و کاشانه اش و مدرسه و بیمارستان را بر سرش خراب کنند و به آتش بکشند؟ دنیا توسط این دو جبهه سفاک در اوج بیگناهی دارد می سوزد. اگر دنیا این است کاش که به دنیا نمی آمد!

این عین فرود آمدن انسان از مقام والای بشری به عالم پستی و حیوان صفتی است! کجائید، ای انسانهای آزادیخواه جهان، بشریت به اوج بی حرمتی رسیده و انسانیت علنا انکار می شود. و دره های هولناک و گردابهای امان گیر به روی بشریت دهن باز کرده در زندگی انسانها لحظه هایی پیش خواهد آمد

به این دو جبهه است. و باید به جبهه سوم پیوست. فقط فقط جبهه سوم است که می تواند این اوضاع دردناک دنیا را مهار کند. در این حرکت فرمان این شرایط حساس جهان را در دست خویش بگیرد و انسانیت را به ثبوت برساند. اگر شما با این جبهه باشید، حوادث جهان بنفع بشریت متمدن و آزادیخواه به نفع نسلهای آینده چرخ خواهد خورد. باید این جبهه بتواند ریشه درخت تمام بدیها، جنایتها، رذالت و پستیها و عقب ماندگی هارا بخشکاند. تا درخت انسانیت در آن زمین شروع به رشد و نمو کند. و حقیقت انسان در معرض و معیار عمل قرار گیرد.

در هر قرن چند مسئله مهم جهانی بوقوع پیوسته است و سرنوشت انسانها را خوب یا بد تغییر داده است.

اما در قرن ۲۱ باید جبهه سوم، جبهه انسانیت عرض اندام کند و بتواند چهره سیاه و توحشزای این جهان را به نفع بشریت عوض کند، انسانیت را دوباره معنا کند و تاریخ کمال شهادت، انسانانه بنویسد.

قرن ۲۱ باید نوعی رنسانس، زادگاه دنیای متمدن، مدرن، انسانی و تولد دوباره بشریت باشد. و این جبهه باید بنام بشریت و بنام آزادی و جهانی آباد و آزاد بمیدان آید و صحبت کند. اوضاع سر نوشت سازی در پیش است. باید با تمام قدرت و قوا در مقابل قلدری آمریکا و متحدینش ایستاد. از خود، از انسانیت، و از نسلهای آینده دفاع کرد. این جبهه در این قرن پشتیبان فلسفی آزادی و شرافت انسان است. آنچه انان باید اعلام حضور نماید که در سراسر جهان ستمکاران و بیبیدادگران

را پشت میله های زندان تاریخ افکند. و نگذارد که جهان نه تنها میدان تاخت و تاز و قلدری اتم بدستان نباشد، بلکه آنها را خلع سلاح کند. این جبهه نباید بگذارد که فضای استیصال بر جهان حاکم شود. نباید بگذارد که انسان دو باره پا در دهلیزهای قرون وسطی و جهالت بگذارد. و دوران جنگ اول جهانی و دهه های بعد از آن تکرار شود. اگر جبهه سوم نجهد، اگر این جبهه در این شرایط حساس جهانی بی تفاوت باشد فجاج انسانی روی خواهد داد که تاریخ جهان تا کنون بر خود ندیده. اما اتحاد من و شما و اعتراضمان به این جهل و جنایت و توحش که هرروزه جان صدها انسان بیگناه را بکام مرگ میکشد جوابی است به نیازمندیهای این انسانها. جوابی است به وحشت زده گان بی پناهی که در این کشورها در آواره گی و فقر و فلاکت زندگی می کنند. جوابی است به وجدان بیدار انسان و به نسلهای آینده.

پیش از آنکه جهان بیش از این، در گرداب جنون بغلندت باید دست بکار شد و نگذاشت این فجاج بشری روی دهد.

چقدر پر شکوه است اگر انسانهای با وجدان و شرافتمند جهان و این جبهه بتوانند این جهان زخمی و خون آلود را از عالم گمراهی مهارو به سعادت و خوشبختی هدایت کنند و به آغوش حقیقت باز گردانند. چقدر زیبایست که صلح و امنیت و آسایش و آرامش را بدون دغدغه از ترس ترور و تروریسم و کشتار و گرسنگی به سراسر جهان اشاعه دهند و بذر انسانیت را در آن بکارند. آنوقت است که سرنوشت بشریت و تاریخ انسانیت آغاز می گردد.

زیبایی و صلح و انصاف در بین انسانها اندیشه ای است که از یک حقیقت سر چشمه می گیرند. و آنهم اتحاد همسویی و همسرنوشتی در بین انسانها در هر گوشه ای از جهان بدون در نظر گرفتن رنگ و پوست، زبان و مرز. بیائید در ساختن این دنیای انسانی شریک شوید، در هر گوشه ای از این جهان آنکه شریک است خدمت گذار حقیقت است. آنکه شریک است انسانیت و حرمت انسان را پاسداری می کند. جبهه بشریت متمدن، جبهه انسانیت به من و تو احتیاج دارد. چرا که نبرد سهمگینی در راه است. ما راه پر فراز و نشیبی را پیش رو داریم، آنها نمی گذارند که جبهه انسانیت بسادگی پیروز شود اما باید در سراسر جهان با اتحاد میلیونها انسان شرافتمند و بشر دوست و صلح طلب با شعار نه به جبهه اسلام سیاسی به رهبری القاعده و رژیم فاشیستی اسلامی ایران و نه به جبهه ملیتاریزم و تروریسم دولتی به رهبری آمریکا به این کشتار و جنایات خاتمه داد و نباید اجازه داد که افغانستانی دیگر، عراقی دیگر و فلسطینی دیگر برشانه های خسته انسانیت تکرار شود و لاشه ضعیف تمدن را به نابودی بکشاند. جنگ بس است، کشتار و خون ریزی بس است، تکه و پاره کردن زنان و کودکان بیگناه دیگر بس است. در این کشتار بی مرز انسانیت بسته آمده است. جبهه سوم و بشریت متمدن باید با شعور آگاه در صحنه جهان قاطعانه دخالت کند این اوضاع توحش را مهار کند و به این جنایت پایان دهد.

زنده باد انسانیت

اخباری از کردستان کشتار کاروانچی ها همچنان ادامه دارد

رسیده است روز ۵ شنبه دهم آبان ماه نیز مزدوران مستقر در مسیر آمد و رفت کاروانچی ها و در محلی به اسم "کانال" بار دیگر به سوی کاروانچی ها تیر اندازی می کنند که بر اثر این عمل وحشیانه یک نفر از آنان به اسم لقمان جابمند ۲۳ ساله جان خود را از دست می دهد.

هفته گذشته مزدوران رژیم مستقر در اطراف پیرانشهر به سوی تعدادی از کاروانچی ها تیر اندازی کرده و یک نفر به اسم زاهد پاچله را به قتل می رسانند و در اثر این تیر اندازی، سه نفر دیگر از کاروانچی ها بشدت زخمی می شوند. بنا به همین خبر که به کمیته کردستان حزب

کمیته کردستان حزب ضمن تسلیت به خانواده و بستگان زاهد پاچله و لقمان جابمند این اعمال و این جنایت مزدوران حکومت اسلامی را محکوم کرده و از مردم پیرانشهر می خواهد که نسبت به این اعمال وحشیانه و ضد بشری اعتراض کنند.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری
۱۳ آبان ۸۶
۴ نوامبر ۲۰۰۷

اخبار حوادث

پیرانشهر: هفته گذشته دختر ۱۶ ساله ای به اسم سحر پرموز اهل روستای بندره از توابع پیرانشهر دست به خود سوزی زد. علت اقدام به خودسوزی این دختر جوان، تهدید یکی از افراد خانواده وی در افشا ارتباطش با دوست پسر او نزد پدر و برادرش بوده است. متأسفانه شدت ناشی از سوختگی سبب مرگ سحر گردید.

بنا به اخبار دیگری که به کمیته کردستان حزب رسیده است یک زن ۳۵ ساله به اسم فاطمه شاداب اهل روستای کرده سور که کارگر فصلی بود، بر اثر سقوط از روی تراکتور، در زیر تراکتور قرار گرفت و جان خود را از دست داد.

فراموش شده ها

سارا



انگار دیگر همه چیز تکراری شده است سرنوشتها هم تکراری شده است امروز اگر سالمندی از وضع فلاکت بار زندگی می نالد باید جوانان دیگری آینده خود را از وضع زندگی او اینگونه مجسم کنند. افراد سالخورده ای که روزگاری توانایی جسمی داشتند و کار و تلاش خود را در جهت تامین زندگی فرزندان بکار بردند و امروز چون ناتوان از انجام کار هستند فراموش شده هایی هستند که گوشه های خیابان و پیاده روها منتظرند کسی از راه برسد و سکه سیاهی جلویشان بیندازد تا از گرسنگی نمیرند وضع نابسامان اقتصادی در حکومت های اسلام زده و بخصوص ایران باعث شده فرزندان پدر و مادرشان را گوشه خیابان به گدایی وادارند. پیرمرد و پیرزنهایی که در سرمای طاقت فرسا و سخت زمستان هم حتی در زیر برف و باران از سرما و گرسنگی لرزیده اند تا بلکه کسی از راه برسد و پول یکعدد نان خالی را به آنان بدهد. چشمانشان همیشه منتظر است و با کوچکترین صدای پای سرشان را بطرف صدا برمی گردانند. اما سران حکومت اسلامی چشمان حریصشان را به تسلیحات اتمی دوخته اند و سرمست از بلندی و از پهایشان هستند و هرگز این افراد را نمی بینند یا می بینند و به روی نامبارکشان نمی آورند. بخودشان می بالند که کمیته امداد امام خمینی سالمندان را تحت پوشش دارد اما همه شاهدیم که حتی پولها و وسایلی که مردم جمع می کنند تا بدست این افراد برسد از جاهای دیگری در خدمت حزب الله و حماس و احزاب کثیف اسلامی سر درمی آورد. دیگر حتی مردم هم با این شیوه کمکهایشان را دریغ می کنند چون می دانند که هرگز بدست این افراد گرسنه نمی رسد چرا که در جاهای دیگر صرف خرید اسلحه و بمب برای اعمال تروریستی و انتحار کردن احزاب اسلامی و کشتن مردم بیگناه می شود.

با این وضع از جایگاه و مقام والدین سخن می رانند و به فرزندی که نان برای سیر کردن خودشان ندارند توصیه می کنند که باید به پدر و مادر احترام گذاشت با این اعمال ضد انسانی و گفتار نصیحت

آمیز به مردم در س اخلاق می دهند و خودشان از زیر بار مسئولیتی که در برابر تک تک افراد جامعه و سالمندان و کودکان و زنان دارند شانه خالی می کنند و اینگونه معضلات موجود در جامعه را به خانواده ربط می دهند خانواده ای که در کوچکترین مسائل مربوط به خود هیچ گونه حق انتخابی ندارد و این حکومت سیاه اسلامی است که از بالا برایش تعیین سرنوشت می کند و مدام به شعور مردم توهین میکنند و خودشان را نماینده مردم و ناجی آنها از طرف خدا می دانند خدایی که بهترین وسیله برای سرکوب و ارباب و اختناق مردم بوده است. اما آنها هرگز به این مسئله فکر نمی کنند که هرچه آنها خودشان را مقدس جلوه دهند به همان نسبت ارتباط مقدسات به معضلات موجود بیشتر می شود و رابطه مقدسات و معضلات در جامعه برای همه روشن است و این دو رابطه ای مستقیم باهم دارند. امروز دیگر برای همه روشن است اگر بخواهند ریشه معضلات جامعه را بخشکانند باید حتماً تقدس زدایی را آغاز کنند چیزی که مردم با آن بیگانه نیستند. امروز آخوندها و آیت الله ها و بهشت و جهنم دروغینی که وعده اش را به مردم داده اند، در میان مردم به مسخره گرفته می شوند و از خنده دارترین جوکهای روز هستند. مگر تاکی میتوانند مردم را نفهم بدانند و واقعیات را به نفع خود جهت دهند حالا دیگر همه گزینه ها را رژیم در ارتباط با مردم امتحان کرده است امروز واقعاً به انتها رسیدن تمامی ترفندهایش را شاهدیم و پایان عمرش فرا رسیده است. هیچ کس حتی تصور را هم نمی کرد که بتواند ۲۸ سال عمر کند و هر سال با مراسمات ۲۲ بهمن، مردم بیشتر به این واقعیت می رسند که آخرین مراسمی است که برای نزول خمینی با هوایمی فرانسه به میان مردم انقلابی ایران گرفته می شود و این بار خود مردم هستند که هر آخوند و دست نشانده آمریکا و دولتهای غربی را پس می زنند و خودشان انتخاب می کنند.

به امید یک دنیای بهتر

سینا پایمرد آزاد شد!



سینا پایمرد

است که جلو اجرای این حکم وحشیانه را بگیرد."

در خبر آزادی سینا آمده است که خانواده مقتول با گرفتن ۱۵۰ میلیون تومان رضایت دادند. اما این همه واقعیت نیست. اعتراض جهانی به اعدام کودکان و نوجوانان و سینا پایمرد، نقش بسیاری در عقب نشینی جمهوری اسلامی دارد. پول خون و دیه که از سوی جمهوری جنایت اسلامی مطرح و رسم شده است، یکی از بیشترین رفتارها با انسان و انسانیت است. جمهوری اسلامی ایران جامعه را به قهقرا کشانده و جان انسان و جان جوانانی چون سینا را به پول گره داده است. ما همواره ضمن محکوم کردن اعدام و قتل عمد دولتی اعلام کرده ایم که جمهوری اسلامی و قوانین اسلامی است که مسئول مستقیم جان محکومین به اعدام است.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۰۴/۱۱/۲۰۰۷
www.adpi.net

manochermasori@yahoo.com
0046704917494

سینا که در سن ۱۶ سالگی به اتهام قتل يك جوان دیگر دستگیر و محکوم به اعدام شد، به دنبال يك تلاش و اعتراض سراسری و بین المللی از سوی خانواده وی، دوستان وی، دانش آموزان شهر هامبورگ آلمان، گروه ها و سازمان های مدافع حقوق بشر و مخالف اعدام، کمیته بین المللی علیه اعدام و ده ها فعال جنبش علیه اعدام، از زندان آزاد شد. ما به سینا، خانواده سینا و همه کسانی که در کمپین نجات جان سینا سهیم بودند تبریک می گوئیم. این گوشه ای از یکی از اطلاعیه های کمیته در باره کمپین نجات جان سینا است:

"به محض تماس وکیل سینا با عفو بین الملل و رسانه ها و نهادهای بین المللی، به طور عاجل و فوری مجموعه اقداماتی در دستور گذاشته شد.

تماس با نهادهای بین المللی، با کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و اتحادیه اروپا و درخواست، دخالت و اعتراض فوری به امکان اجرای این حکم، در دستور فعالین کمیته علیه اعدام قرار گرفت.

سازمان عفو بین الملل در مورد اجرای این حکم هشدار داد و خبر امکان اجرای حکم سینا فوراً در دنیا منتشر شد.

آخرین اخبار رسیده از ایران حاکی است که مجموعه این اقدامات ممکن است، اجرای حکم را به عقب بیاورد. ولی باز هم برای اطمینان فعالیتهای در آخرین لحظات ادامه دارد.

کمیته بین المللی علیه اعدام با همه امکانات و توان خود در صدد

ایسکرا برنامه ای از یدی محمودی

شما می توانید از طریق تلویزیون کانال جدید روزهای سه شنبه، پنج شنبه و یک شنبه

از ساعت ۳:۰۰ تا ۴ ساعت ۵ بعداز ظهر به وقت تهران برنامه های ایسکرا را نگاه کنید.

این برنامه ها روز بعد از ساعت ۱۲:۳۰ تا بعداز ظهر تکرار خواهد شد.

برنامه های ایسکرا را به دوستان و آشنایان معرفی کنید و برای ایسکرا گزارش و خبر بفرستید.



مشخصات فنی: ماهواره هات برد ۸
فرکانس ۱۲۴۰۳ مگاهرتز
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰
اف ای سی ۳/۴
پلاریز سیون عمودی - Vertical
ایمیل: nctv.tamas@gmail.com
تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

اعتصاب مجدد کارگران نیشکر هفت تپه برای آزادی همکاران خود شروع شد

بنا به گزارش دریافتی روز چهارشنبه ۱۶ آبان کارگران شیفت صبح در کارخانه نیشکر هفت تپه دست به اعتصاب زدند و به همراه شمار دیگری از همکاران خود مقابل دفتر مدیریت این کارخانه تجمع کردند. تعداد کارگران تجمع کننده به ۵۰۰ نفر میرسید. کارگران خبر داده اند که علاوه بر قربان (رمضان) علی پور که روز دوشنبه ۱۴ آبان دستگیر شده، امروز صبح قبل از شروع اعتصاب یکی دیگر از همکاران آنها بنام محمد حیدری مصر نیز توسط ماموران اطلاعات جمهوری اسلامی دستگیر شده است. کارگران اعلام کرده اند که اگر تا امشب دو همکار آنها آزاد نشوند تمامی ۴۰۰۰ کارگر نیشکر هفت تپه بطور یکپارچه وارد اعتصاب خواهند شد. کارگران نی بر نیز که تعداد آنها به حدود ۲۰۰۰ نفر میرسد اعلام کرده اند که از این حرکت فعالانه حمایت میکنند و آنها نیز دست از کار خواهند کشید. اعتصاب امروز کارگران شیفت صبح تا پایان وقت شیفت ادامه یافت. معاون مدیر کارخانه با ادامه تجمع کارگران به میان کارگران آمد و تلاش کرد کارگران را به سر کار برگرداند. او در مورد کارگران دستگیر شده اظهار بی اطلاعی کرد. بازداشت فعالین کارگری نیشکر هفت تپه تقلائی حکومت اسلامی برای خنثی کردن پیروزی اخیر کارگران بدنبال اعتصاب ۱۱ روزه آنهاست. کارگران توانستند تشکیل مجمع عمومی منظم، پرداخت فوری دستمزدهای معوقه و برخی خواستههای دیگر را به مدیریت تحمیل کنند. بعلاوه کارگران حق تشکیل سندیکای کارگری را نیز به مدیریت قبولانده اند و تلاش برای تحمیل و تشکیل چنین تشکلی در جریان است. این اعتصاب انعکاس بسیار گسترده ای در میان کارگران داشت و الگوهای آموزنده ای

**زنده باد اتحاد کارگری!
مرگ پر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری،
حکومت کارگری!**

**حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ آبان ۱۳۸۶
۷ نوامبر ۲۰۰۷**

نامه مجید حمیدی به: کارگران، مردم آگاه و زحمتکش

پس از سه هفته از سوء قصد به جان من هنوز هیچ سرخی از عوامل اجرایی و تصمیم گیرندگان جنایت شوم ترور من بدست نیامده و متاسفانه جدیت لازم در راستای شناسایی و یا دستگیری تروریست ها از سوی نیروهای امنیتی و انتظامی به عمل نیامده و این تعلل و تأخیر باعث رواج شایعاتی از سوی جریانان و افرادی معلوم الحال شده است مبنی بر اینکه این ترور به علت مسایل مالی، اختلافات درون گروهی و یا در ارتباط با مبارزات سالهای گذشته من بوده است بنابراین از مسئولین مرتبط می خواهم که نسبت به این پرونده مسئولانه تر برخورد نمایند.

کارگران ومردم هوشیار و

من مجید حمیدی سالهاست در راستای ایجاد تشکل و اتحاد و همبستگی کارگران به منظور بهبود وضعیت و شرایط زندگی و کار

کودکان سالم چگونه معلول ذهنی ...

ازصفحه ۱

اعلام اینکه (همزمان با سفر آقای سرکوزی به کشور چاد ۷ نفر از دستگیر شدگان آزاد شدند) چگونگی وضعیت این کودکان بدون هیچ نتیجه و راه حلی، از دید مردم جهان پنهان ماند.

اما همین الان قصد دارم شما را به پشت صحنه ببرم تا باتفاق هم به چگونگی زندگی و به وضعیت واقعی این کودکان جهان وارونه نگاه نزدیکتری داشته باشیم و چاره ای بیجویم.

اینجا یکی از مراکز بزرگ نگهداری کودکان بی سرپرست این جهان وارونه است و تمامی مجموعه ها و سالن هایش عمدتا بر مبنای جنسیت و سن کودکان بخش بندی شده اند. مجموعه ای که هم اکنون که باتفاق شما به درونش وارد میشویم

مخصوص پسران ۸ الی ۱۴ ساله است، فقط مقدمات بگویم که يك کارشناس امور کودکان نابینا نیز بنام داود که خودشان نیز نابینا هستند دوست و همراه من میباشند و من ناچارم برای ایشان جزئیات و وقایع را شرح بدهم، لذا امیدوارم که در این همراهی، با توضیحاتم شما را خسته نکنم.

در بیرون ساختمان این مجموعه يك حیاط کوچک آسفالتی را میبینیم که نرده بندی شده و در گوشه ای از حیاط و بر روی میزی کهنه نیز، دو کارتن کیک تاریخ مصرف تمام شده را میبینیم و آقای خیر و مسنی هم که احتمالا هدیه کننده آنهاست بر روی صندلی نشسته و منتظر زنگ تفریح و آمدن بچه هاست و در اتاق نگهداری و مسئولین این مجموعه نیز دو کارمند جوان و میانسال را میبینم که قصد دارند زنگ سیاحت را بصدا درآورند.

پسر ۱۴ ساله کوتاه قدی با سرعتی غیرعادی به کیکها حمله میبرد و در همان ثانیه های اول، ۷.۸ تای آنها بقصد بلعیدن حریصانه بردها برد و خرد خرد کرده و پخش و پلا میکنه و پسرک ۱۰ ساله ای هم که گویی رفیق و همبازی اوست، بدون دست بردن به هیچ کیکي، مثل مرغی دانه خوار، صرفا از روی زمین و از لای دندانهای او نوک میزند.

سه پسر ۱۲ - ۱۰ ساله دیگری هم بنحوی کاملا هراسان وارد میشوند و به کیکها حمله میبرند و هرکدامشان تا حدی که دستانشان جا میگیرد چنگ میزنند و در وسط حیاط به قاپیدن کیکهای همدیگه مشغول میشوند و بنظر اینها نیز دوستان و رفقای يك اکینند.

پسر تقریبا ۱۲ ساله و قد بلندی با يك بند پوتین سیاهی وارد حیاط میشه و بدون هیچ علاقه ای به این کیکها، فقط مشغول فرو بردن بند پوتین خودش به دهانش است و با اشتهاي عجیبی آنرا میخورد و آب دهانش را قورت میدهد و بر زمین میاندازد و بازم بر میدارد و مجددا میخورد و آبش را قورت میدهد. پسرک دیگری هم که هنوز ۳.۴ کیک پودر شده ای را به چنگ دارد، بند پوتین او را میقاپد و بر دهان میگیرد و مجددا برویش پرت میکند.

پسرک ۱۰ ساله دیگری گویا از توالیت بلند شده و بیکراست به وسط حیاط آمده خیلی بیخشنید از توضیحم، مدفوع باریکی هم از پشتش آویزان است و دو همبازی تازه واردش هم مثل پاندول ساعت با آن بازی میکنند.

اکنون دیگر حدودا تعداد ۱۵-۱۰ نفری در اکیپهای گوناگون وارد حیاط شده اند، ولی داود جان شما دست مرا بگیرین تا این کودک از توالیت آمده را سریعا به داخل سالن ببریم چراکه آن پسرک قد بلند، بند پوتین خودش را گم کرده و دارد به طرف او میاید!!

سلام آقا، آگه شما مسئول این بچه ها هستید اجازه بدهید که این پسر را ببریم به دستشویی و کمکش کنیم و بشوریم!

سلام، خیلی ممنون، خوش آمدین، یکی از بچه ها مسئول تمیزی او است الان میگم میاد.

پسر ۱۵ ساله ای که گویا ارشد این آسایشگاه است بنویه خود و با انتخاب خودش پسر دیگری را برای انجام وظایف کثیف تر این آسایشگاه برگمارده ارشد، با امر و نهی محسوسی پسر چهارده ساله ای رو که بنحو حیران و غمگینی بر روی تختش عمیقا به فکر رفته بوده بلند میکند و با چند پس گردنی محکمی وادارش میکند که او را بشورد!

با باز شدن در آسایشگاه ۳۲ نفره، آنچنان بوی وحشتناکی بلند شد که بجز محل زندگی گوسفندان کوره دهات، مکان دیگری در ذهنم تداعی نشد. چند پسر کم سن و سالتر و نحیف تری نیز روی تختهای سه طبقه شان معصومانه چرت میزدند.

آن پسرک را هم داخل توالیت نتوانستند بشورند بلکه با آوردن به حمام و با گرفتن شلنگ و فشار آب، تاحلودی تمیزش کردند، و او با بلوز شلوار خیس و یونی فورم نیم دگمه شده اش، بنحوی هراسان راهرو باریک و کثیف سالن را دوباره به سوی حیاط ترک کرد.

کودکان سالم چگونه معلول ذهنی ...

از صفحه ۵

در اتاق کثیف و کوچک ۹ متری نیز که نصف کف آن با موکت نازک و پاره پوره ای پوشیده شده بود، چند کودک کم سن و سال تری با وسایلی که بیشتر به آشغال شبیه بودن بنحو عجیب و غریبی بازی میکردند.

داود جان، شما همینجا وایستین، برم ببینیم اون پسر ۱۰ ساله چرا اینقدر آرام آرام و پشت به دیوار جلو میاد!

سلام پسر جان، چی شده، چرا نمیری حیاط؟

اسم من سلمان هست، نایبام، من باید مواظب خودم باشم، نمیتونم مثل بقیه سریع بدوم وگرنه با هجومی که اینها میکنند، دست و پای سالم هم میشکند! همیشه آخر از همه میام و اگر تو حیاط چیزی مانده باشه میخورم، ولی معمولا هم چیزی گیر نمیداد!

سلمان جان، تو بنظرم عقب مانده هوشی نیستی، از خیلی بچه های دیگر مدرسه ما هم باهوشتری، تو چرا به مدرسه نایبانیان نرفته ای؟ - عموم میگفت که به یکی از معلمین مدرسه نایبانیان خواهم گفت که بیان اینجا و تو را ببرن به مدرسه نایبانیان، اما الان ده روزه که منتظرم ولی هنوز کسی نیومده. بعد از اینکه بابام تو جبهه تیر خورد و مرد، با مامانم ازدواج کرد و بعدا یک دختر تازه هم بدنیا آوردند، اما عموم دیگه منو قبول نکرد و مامانم هم چیزی نگفت و منو اینجا سپردنم.

صبر کن ببینم کیکی پیدا میکنم برات بیارم، همینجا باش. - داود جان، پسری که بخاطرش آمده بودیم همان پسری بود که تکیه به دیوار میومد، خیلی هم با هوشه، چشماشم بقدری براق و درشته که نمیشه فهمید که نایبانیست. بیا برویم داخل آسایشگاه و این دو کیگ نسبتا سالم رو هم بهش بده، و شما بشنین حرفاتونو بزیند، منم ببینم آن پسری که هی پس گردنی میخورد و او را مامور شستشو و کارهای کثیف

- چیزی خوردی؟ گرسنه هستی؟ - توی این يك هفته خیلی لاغر شدم، بابام دکان لبنیاتی داره، ما به ماست و پنیر و مواد خوب عادت کرده بودیم اما با چیزهایی که اینجا میبینم دیگه دلم به غذا نمیاد، توهینها و کتکهای این ارشد سالن هم روحمو خیلی خراب کرده، عذابم میده. ببخشید که شما را هم گریسوندم، گریه من برای این کتک و توهین ها نیست، برای مدرسه خودم هم نیست، فقط برای خواهرم شیوا است، شما اگر میخواهید به من کمک کنید خواهش میکنم به او کمک کنید. هم قد و همرنگه منه اما دیگه نمیدونم چقدر لاغر شده! او همیشه شاگرد اول کلاسشون بوده. آقا ناصر، من باید برم، مثل اینکه وقت سیاحت تموم شده و باید حیاط و سالن رو تمیز کنم. هرقت جلوی توهین ها و زندهای این ارشد سالن میایستم، این مسئول و نگهبان اصلی سالن هم از او طرفداری میکنه، بار اول زمانی که ارشد منو زد منم اونو زدم، بعدش دوتایی افتادن به جونم منو بدجوری زدند. اون نگهبان جوانتر تازه اومده اینجا، از او ناراحتی ندارم. من باید برم، لطفاً به خواهرم کمک کنید، خیلی نگرانم. هسم.

- سلمان جان، کمی خیالت راحت شد؟ دیدی بالاخره معلمتون میاد سراغت؟ در اون مدرسه اتاق درس و خوابت هم خیلی راحت تر از اینجا است، سه وعده غذای خوبی هم بهتون میدن، الان توانستی چیزی بخوری یا نه؟ داود جان، شما هم تونستید با سلمان صحبت کنید؟ مدیر سالن میگوید وقت ملاقات تموم شده، باید بریم!

- بله، آقا ناصر، کیگ ها رو با آقا داود با هم خوردیم. قول دادند که سه روز دیگه بیان من را ببرند مدرسه. از اینجا راحت میشم، خیلی میتربیدم. خیلی ممنونم تنها دوست من اینجا همان جلیل هست. غایمکی خیلی خیلی کمک میکنه.

- بله ناصر جان، منم مثل شما، سلمان رو پسر خیلی باهوشی میبینم. خیلی هم مهربانه.

خب، سلمان جان، تو هم از خودت مواظب باش، زیاد هم مواظب باش، امروز که پنجشنبه است هیچ گذشت و تموم شد، جمعه هم تعطیله، شنبه هم با آقا مدیر مدرسه صحبت میکنم، ولی حتماً برای یکشنبه خودتو آماده کن. از آقا ناصر هم ممنونم که منو پیش تو آورد. بریم از آقا نگهبانها هم خداحافظی کنیم و بریم.

- داود جان، از همین چند بر خورد کوتاه و کم فرصتی که با این بچه ها داشتیم، براحتی میشد فهمید که بسیاری از این بچه ها بیشتر بدلیل دوری از خانواده و مدرسه و زندگی طبیعی شان بوده، و بدلیل زندگی تحمیلی و طولانیشان بوده، آنها با اینچنین مواد غذایی ناجور و شرایط بهداشتی ناسالمشان بوده که اینجور معلول ذهنی شده اند. از طرفی در خود همین یکساعت هم، من بچه هایی با وضع هوشی سالم کم ندیدم. اگر خود ما رو هم مدتها همینجا ول کنند صد در صد مثل بعضی از بچه ها دیونه میشیم.

اتوبوس از دور داره میاد، منو سفت بگیر کمی تند بریم و به صف برسیم، بعد با خیال راحت میشینیم، اونوقت تو از سلمان میگی که چطور دیدیش و موضوع و داستانش چی بوده، منم از جلیل و شیوا میگم که چه اوضاع دردناکی بر زندگی این جامعه و این کودکان میگذره. ای کاش بتونیم به پرونده و داستان زندگی تک تک اینها دست ببریم و به آنهايي که با سرعت بیشتری میشه از این جهنم لعنتی خلاصشان کرد، و با تامین زندگی نسبتاً سالم تر و بهتری میشه نجاتشان داد یاری برسونیم. صبر کن و ایستیم تو

نوبت - بله، درسته که جهنم واقعی در واقع همین نظام سرمایه و همین جهان وارونه است و هزاران و ده ها هزار مجتمع بهزیستی و بدزیستی در همین تبریز و اینجا و آنجای جهان وجود دارند و در خود همین جامعه ایران خودمان هم بعد از ۸ سال جنگ با عراق و بعد از این همه زلزله و فقر و فلاکت و غیره، بهزیستیهای متعددی گسترش یافته که مشقات و بدبختی از سر و کول همه شان بالا میره، اما با همت نهاد های اجتماعی و مردمی و با شیوه های گوناگون و مردمی بویژه با فشار آوردن به سازمان ملل نیز میتوان بخشی از این میلیونها کودک آواره در قاره های آفریقا و آسیا و غیره را که همگی در حال مرضی و معلولیت و مرگ بسر میبرند بدرجائی نجاتشان داد. راستی گفتی شیوا!! شیوا دیگه کی بود؟! جلیل رو منم شنیدم، همون بود که کتکش میزدند اما کدومشون بود که دختر بود؟

- کمی برو جلو تر دو سه چهار نفر بیشتر نمونده، باید مثل همین سلمان که بلاخره پیداش کردیم به سراغ شیوا هم برویم، هرطور شده میروم پیداش میکنم. کافیسست که یک دو تا از دوستان و خانم های نایبنا را با خودمان همراه کنیم. نوبتمان رسید برو بالا، بشین همین دو صندلی پشت پله ها، هردو تاش هم خالیه، داستان این دوقلو و شیوا رو هم صحبت میکنیم! این شیوا باید شخصیت مهمی باشه!!

۰۷/۱۱/۰۶

از سایت های
حزب کمونیست کارگری ایران
دیدن کنید

www.wpiran.org
www.rowzane.com

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!